

# جستاری در نقد معماری مدرن و بررسی اندیشه های رم کولهاس در باب مفهوم فضای پوچ

ریحانه خان محمدی<sup>۱</sup>، حسنا ورمقانی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران  
۲. استادیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

## چکیده

با وقوع انقلاب صنعتی، ساخت صنعتی در تمام صنایع مطرح شد. صنعت ساختمان نیز از این رویداد متأثر گشت. معماری مدرن تحت تاثیر انقلاب صنعتی، به ساخت و ساز صنعتی، استاندارد سازی و تولید انبوه روی آورد. ساخت بناهای یکسان در اقصی نقاط جهان بدون در نظر گرفتن عوامل اقلیمی، محیطی و فرهنگی و پرداختن عمده صاحب نظران تاریخ معماری مدرن به موضوع فناوری و نقش آن در پیدایش معماری مدرن دلیل بر این ادعاست. پس از جنگ جهانی دوم، انتقادها از مبانی نظری این سبک مورد بحث و گفتگو از سوی متفکران قرار گرفت. در این زمان نقد معماری به جنبه های زیبایی شناسی محدود شده بود و بر ارزش های نمادین، فضایی، صوری و ذاتی معماری مدرن تاکید داشت. رم کولهاس در نقد معماری مدرن بر این باور است که نسبت به مجموع تمام نسل های گذشته، در این دوران اثر ارزشمند و ماندگاری برای آیندگان خلق نشده، بلکه فضاهای پوچ بیشتری در حال ساخت است. به عبارتی معماری در قرن بیستم ناپدید شد. نگرانی درباره حجم بناها، دیدمان را به معماری مردمی نابینا کرده است. در این مقاله، فضای پوچ از دیدگاه کولهاس مورد بررسی قرار می گیرد. سوال اصلی تحقیق آن است که مفهوم فضای پوچ در اندیشه رم کولهاس چه ارتباطی با نقد معماری مدرن دارد؟ روش تحقیق توصیفی تحلیلی و روش گردآوری داده ها کتابخانه ای است. نتیجه تحقیق آن است که فضای پوچ صرفا به لحاظ فضایی فاقد ارزش نیست، بلکه تمام ساختمان های خسته کننده را نیز شامل می شود. فضای پوچ به لحاظ طراحی پر رونق است اما معماری در فضای پوچ ناپدید می شود و این روند نوعی سقوط آزاد معماری است.

**واژه های کلیدی:** نقد معماری مدرن، رم کولهاس، فضای پوچ، پست مدرن.

## پرسش های پژوهش

معماری مدرن چه پیامدها و تاثیراتی بر هنر، جامعه و زندگی انسان داشته است؟  
مفهوم فضای پوچ در اندیشه رم کولهاس چه ارتباطی با نقد معماری مدرن دارد؟

## مقدمه

با اینکه در بحران کنونی نقد معماری پرداختن به مبانی و تئوری نقد معماری بیش از پیش ضرورت دارد، اما به مباحث نظری و تاریخی نقد معماری کمتر توجه شده است و مبانی نظری نقد معماری در غفلت و افول به سر می برد. در تاریخ ظهور نقد معماری آراء و نظریه های گوناگونی درباره نقد معماری مطرح شده که با تحولات آنها جریان نقد معماری پرورش یافته است. با وجود اختلاف عقیده ای که صاحب نظران درباره تعریف نقد معماری و رویکردهای آن دارند، موضوع محل توافق اکثر آنها بحران کنونی نقد معماری است. بحرانی که تا پیشینگی و اعلان مرگ نقد معماری نیز پیش رفته است. این وضع بحرانی ضرورت اندیشیدن و سخن گفتن درباره تاریخ و تئوری نقد معماری را بیش از پیش عیان می کند. چرا که درست در چنین مواقعی است که باید با بازنگری و رجوع به مباحث نظری و بنیادی زمینه را برای اصلاح و احیای دوباره نقد فراهم کرد (دانایی فر، ۱۳۹۹). رم کولهاس، معمار هلندی، نظریه پرداز حوزه معماری و شهرسازی و استاد معماری و طراحی

شهری در دانشگاه هاروارد است. از کولهاس علاوه بر پروژه های اجرایی و آوانگارد، کتاب ها و مقالات ارزشمندی به چاپ رسیده است که به منظور خوانش و نقد معماری امروز ضروری می نماید. از میان آنها، کتاب نیویورک هذیانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این کتاب، از منهن به مثابه عرصه ای از انباشت فعالیت های مجزا و متفاوت در بستری محدود، در کنار انطباق کم نظیر کارایی تجلیل شده است. بیست سال پس از انتشار کتاب نیویورک هذیانی، کولهاس نشان داد که ایده اصلی مدرنیسم با معماری و شهرسازی مدرن در تضاد است و برای حل مسائل امروز باید با توجه به واقعیت که او آن را رئالیسم نو نامید، روح اصلی مدرنیته را دوباره زنده کرد. کولهاس مقاله فضای پوچ را در دوره افول ایده بزرگی نوشته است و در این مقاله به آینده و فروپاشی معماری و هنر پرداخته و فضای پوچ را سقوط آزاد معماری دانست و بر این باور است که معماری در قرن بیستم ناپدید شد. فضای پوچ چیزی است که پس از مدرن سازی باقی مانده است. فضای پوچ مجموع کل دستاورد های ماست. ما بیش از مجموع تمام نسل های گذشته چیزهایی ساخته ایم اما اثر ارزشمندی ثبت نکرده ایم.

### پیشینه پژوهش

#### جدول ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده	سال	عنوان	نتایج
۱	کولهاس	۲۰۰۱	فضای پوچ	فضای پوچ مجموع کل دستاورد های ماست. ما بیش از مجموع تمام نسل های گذشته چیزهایی ساخته ایم اما اثر ارزشمندی ثبت نکرده ایم. ما آثار ماندگاری چون اهرام به ارث نمی گذاریم. با توجه به تعریف جدید از زشتی در حال حاضر، در قرن بیست و یکم، فضاها پوچ بیشتری نسبت به قرن بیستم در حال ساخت است. اشتباه است که ساخت ظهور معماری مدرن را برای قرن بیستم ثبت کنیم.
۳	رحیم زاده	۱۳۸۷	پرسش از فناوری و جایگاه آن در پیدایی معماری مدرن	فناوری وجهی است از یک جهان بینی کامل و محقق کننده طرحی که از از منظر جهان بینی برای طبیعت و فعل انسان ترسیم شده است. از منظر تاریخ فناوری و معماری دو چیزند که که بر یکدیگر تأثیراتی دارند. ولی از منظر فهم فناوری فناوری و معماری دو چیز مستقل نیستند که بر هم تأثیر می گذارند، بلکه با هم از یک خواستگاه بر می خیزند و به سوی مطلوبی مشترک هدایت می شوند.
۴	دانایی فر و تفضلی	۱۳۹۹	نظریه های اصلی نقد معماری در مغرب زمین: سیر تاریخی از سده نوزدهم تا امروز	نخستین نشانه های نقد معماری از اواخر قرن شانزدهم ظاهر شد. اما جریان قوام یافته نقد از سال ۱۸۹۰ با نقد های مطبوعاتی شروع گشت. این انتقاد ها تا پیش از جنگ جهانی دوم ادامه داشتو موضوع غالب آن ناکارآمدی و استقلال نقد بود. تئوری نقد معماری با نقد معیار های نقد آغاز شده و در پی آن جست و جوی پایگاه های نظری معیار های نقد، از قبیل معیار های زیبایی شناختی یا روان شناختی، طرح شده است.
۵	مهدوی نژاد، بمانیان و خاکسار	۱۳۸۹	هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن	در دوران مدرن به انسان به عنوان یک کل با نیاز های فیزیولوژیکی نگریسته شد و از نیاز های معنوی و روحانی او چشم پوشی شد. پست مدرن با سیاست انکار و نقد مدرن متولد شد و در دوران فرامدرن کاستی های حاصل از اندیشه های مدرن بیش از پیش نمایان شد.

### مفاهیم و مبانی نظری

#### مدرنیسم

مدرنیسم از ریشه لاتین مدرنوس به معنی نو، جدید یا تجدید می باشد. این پدیده معلول شرایطی است که در جامعه اروپا رخ داده است. به طور کلی مدرن بودن در الگوی فکری و فلسفی مهم بعد از عصر روشنگری در اروپا به وجود آمده است (انصاری، ۱۳۸۹). به اعتقاد هابرماس<sup>۱</sup> نیز مدرنیسم واژه ای است که برای تعبیر پروژه ای تحت عنوان روشن گری بکار رفته است. در این بین عده ای عصر روشنگری را قرن هجدهم دانسته اند و عده ای دیگر از دوره اصلاح دینی و دوره رنسانس نقطه شروع آن را ذکر کرده اند (جمالی و حیدری، ۱۳۸۸). برخی دیگر

از محققان مبدا مدرنیسم را ریشه در قرن ۱۴ و آثار سنت آگوستین<sup>۲</sup> میدانند. به تعبیر آنتونی گیدنز<sup>۳</sup> جامعه شناس معاصر انگلیسی، مدرنیته به آن شیوه از زندگی اجتماعی گفته می شود که در سده هفدهم در اروپا پدید آمده و بعد از آن پیامد های جهانی داشته و به موجب این پیامد ها مدرنیته در یک دوران خاص و در یک منطقه جغرافیایی خاص پیوند خورده است (احمدی، ۱۳۷۷). به اعتقاد دیوید هریسون<sup>۴</sup> هیچ نظریه ای تحت عنوان مدرنیسم وجود ندارد، بلکه این اصطلاح خلاصه ای از کلیه دیدگاه هایی است که در دهه ۱۹۵۰ از سوی دانشمندان غیر مارکسیست در مورد جهان سوم به کار رفت. در این رابطه تکامل گرایی، اشاعه گرایی، ساختارگرایی کارکردی، نظریه نظام ها و کنش متقابل گرایی همه و همه با هم ترکیب شده اند تا به تشکیل زنجیره عقایدی که به نظریه مدرنیسم شهرت یافت کمک کند (هریسون، ۱۳۷۴).

### معماری مدرن

با وقوع انقلاب صنعتی، ساخت صنعتی در تمام صنایع مطرح شد. صنعت ساختمان نیز از این رویداد متأثر گشت. معماری مدرن تحت تاثیر انقلاب صنعتی، به ساخت و ساز صنعتی، استاندارد سازی و تولید انبوه روی آورد. ساخت بناهای مشابه در اقصی نقاط جهان بدون در نظر گرفتن عوامل اقلیمی، محیطی و فرهنگی دلیلی بر این ادعا است. بنابراین از زمان مدرنیته با تکیه بر خردگرایی و عقل مداری محض، نیازهای عاطفی، معنوی و روحی انسان نادیده گرفته شد و بازتاب این دیدگاه در معماری، به عملگرایی منجر گردید و کیفیت زیست را به بن بست رسانید (احمدی، ۱۳۷۲).





شکل ۱. شهر درخشان لوکوربوزیه، نمودی از فضای پوچ در دیدگاه کولهااس (URL1)

جهان با تکیه بر خردگرایی، آسایش انسان معاصر را تحت تاثیر قرار داده و او را در یک ماشین منزوی ساخته است. عقل مدرن بیش از آن که در خدمت انسان قرار گیرد، انسان را در بند زندگی ماشینی اسیر کرده و خصوصیات انسانی او را تحت الشعاع قرار داده است (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳). کریستوفر الکساندر در کتاب معماری و راز جاودانگی (۱۳۸۱) بیان می کند: در مقطعی از معماری مدرن به مظهر معماری توجه مفرط شد و اکتفا به بخشی از زندگی انسان، یعنی کارکرد های مادی و جسمانی، نهضت مدرن را از پدید آوردن فضاهای درخور زندگی کامل انسانی یعنی فضاهای زنده و سعادت بخش ناتوان ساخت. بنابراین زندگی با تمام شئون آن از جمله جسمانی، روحانی و روانی و بازتاب این نوع شناخت در معماری باعث ایجاد بحران موجود در معماری شد (خاکسار، ۱۳۸۹). در طول دهه های اخیر هرچه بیشتر آشکار شده است که رویکرد عملکرد گرایانه، به یک محیط شماتیک می انجامد که فاقد ویژگی و امکانات کافی انسانی است و بدین علت است که مسئله معنا در معماری اهمیت می یابد (نسبیت، ۱۳۸۶). در دوران مدرن جنبه مادی همه چیز از جمله معماری به عنوان هدف اصلی برنامه ها و طرح ها مطرح گردید و هنر معماری تا حد یک نمایش به ساختمان سازی تنزل یافت (نقی زاده، ۱۳۷۹). در عرصه ساختمان سازی تنها خواسته ها و نیاز های محدود و بیولوژیکی انسان مورد توجه هستند. از این روی معماری شکل گرفته در دوران مدرن به معماری سبک بین الملل شهرت یافت. انتخاب این کلمه خود بی هویتی را پایه ریزی کرد.

### جدول ۲: خاستگاه های هنری معماری مدرن

مصادق	خاستگاه های معماری مدرن	هنر انتزاعی <sup>۵</sup>
	شکل گیری هنر انتزاعی در اوایل قرن بیستم یکی از مهمترین خاستگاه های هنری معماری مدرن و بدون شک مهمترین دستاورد هنری مدرن است و اهمیت آن به اندازه انقلاب صنعتی می باشد. هنر انتزاعی در واقع شیوه ای کاملا فرمالیستی بود که از درون گرایش های اکسپرسیونیستی سر برآورد و به ناب ترین جریان مدرن تبدیل شد. نمونه آن باغ انتزاعی گورکیان در نمایشگاه بین المللی فرانسه است.	

	<p>این جنبش توسط پابلو پیکاسو<sup>۷</sup> و ژرژ براک<sup>۸</sup> در سال ۱۹۰۷ پایه گذاری شد. کوبیسم را می توان محصول نگرش خردگرایانه به جهان دانست. نمونه آن در معماری، ساختمان مدرسه باهاوس است.</p>	<p>کوبیسم<sup>۶</sup></p>
	<p>این جنبش در سال ۱۹۰۹ در ایتالیا شکل گرفت و نمود جنبش های هنری و اجتماعی در فاصله بین دو جنگ جهانی بود. پیام کلی این جنبش زمینه ساز گرایش هنرمندانی شد که در صدد آن بودند تا با تحولات جدید و دیدگاه نو هنر قرن بیستم را تحت تاثیر قرار دهند. آنها معتقد بودند که برای تجسم پویایی، باید بر نور و حرکت تاکید نمود.</p>	<p>فیوچریسم<sup>۹</sup></p>
	<p>اندیشه های کانستراکتیویسم را می توان همسو با انقلاب روسیه دانست. کانستراکتیویسم به وسیله ولادمیر تاتلین<sup>۱۱</sup> شکل گرفت. اصطلاح کانستراکتیویسم یا ساخت گرایی به مفهوم ساختن هنر اشاره می کند. اصیل ترین کار این جنبش هنری طرح بنای یادمان بین الملل سوم<sup>۱۲</sup> اثر ولادمیر تاتلین بود.</p>	<p>کانستراکتیویسم<sup>۱۰</sup></p>
	<p>اصطلاح ده استیل را پیت موندریان وضع نمود. وی با طرح نظریه نئوپلاستیسیسم<sup>۱۴</sup> تحول بزرگی در هنر انتزاعی ایجاد نمود و معتقد بود که هنر باید طبیعت زدایی شود، بدین معنا که هرگونه ارتباط با اشیاء طبیعی حذف گردد و صرفا به عناصر انتزاعی تکیه کند. از مهمترین آثار ساخته شده این جنبش معماری می توان به خانه شرودر<sup>۱۵</sup> اشاره نمود.</p>	<p>ده استیل<sup>۱۳</sup></p>

## معماری مدرن و فناوری

برای گشودن و تحلیل جایگاه فناوری در پیدایش معماری مدرن لازم است از هر دو سوی نسبت، یعنی هم از سوی معماری و هم از سوی فناوری بدان پرداخت. به این منظور سه اندیشه رایج درباره فناوری را تعریف و موضوعات و مسائلی را که در هر یک از آنها مهم تر است معرفی می کنیم. این سه اندیشه عبارت اند از: فناوری به سان عمل فناورانه، فناوری به سان ابزار و فناوری به سان یک جهانیابی. فناوری وجهی است از یک جهان بینی کامل و محقق کننده طرحی که از منظر جهان بینی برای طبیعت و فعل انسان ترسیم شده است. از منظر تاریخ، فناوری و معماری دو چیزند که بر یکدیگر تاثیراتی دارند. ولی از منظر فهم، فناوری و معماری دو چیز مستقل نیستند که بر هم تاثیر می گذارند، بلکه با هم از یک خاستگاه بر می خیزند و به سوی مطلوبی مشترک هدایت می شوند. این معنا به روشن ترین بیان در سخنی از میس فان در روهه آمده است که: «آیا هنوز فناوری است یا (خود) معماری؟» شاید به این معنا باشد که برخی می پندارند معماری نابود خواهد شد. ما امید داریم که آن دو باهم بیالند، و روزی یکی بیانگر دیگری باشد.



شکل ۲. نمایش صرف فناوری و زیبایی در اندیشه معماری عصر مدرن (URL2,3)

## نقد معماری مدرن

پس از جنگ جهانی دوم، بحران جنبش معماری مدرن آغاز شد و انتقادات از مبانی نظری آن مورد بحث و گفتگو از سوی متفکران قرار گرفت. در این زمان نقد معماری به جنبه های زیبایی شناسی معماری محدود شده بود و ناقدان معیارهایی وضع می کردند که ارزش های نمادین،

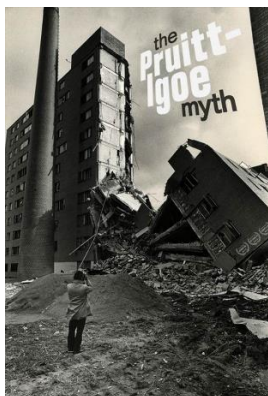
فضایی، صوری و ذاتی معماری مدرن را برجسته کنند. در نتیجه مباحثی که درباره نقد معماری در مطبوعات آمریکایی و بریتانیایی پس از جنگ جهانی طرح می شد، از یک سو درباره معیار های نقد بود، مانند معیار های مبتنی بر زیبایی شناختی، معیار های روان شناختی، فرهنگی و ... و از سویی دیگر پرسش هایی درباره نقش نقد و استقلال آن از معماران بود. علاوه بر مباحثی که بین دو جنگ جهانی و پس از آن در آمریکا و بریتانیا مطرح شد، در ایتالیا نیز پرسش هایی بنیادی در نقد معماری طرح شد که متأثر از تغییر مبانی در نقد هنر و گرایش نقد به تفکر انتقادی بود.

وین اتو ۱۶، شاگرد چارلز مور ۱۷ در کتاب معماری و اندیشه نقادانه (۱۹۷۸) که علی رغم قدمت چهل ساله همچنان مرجع نخست در باب نقد است با گردآوری نقد های منتشر شده در مطبوعات، انواع نقد را در سه دسته سازماندهی می کند: نقد هنجاری (داوری مبتنی بر معیار های از پیش تعیین شده)، تفسیری (غالباً ساجکتیو و بیانگر دریافت های شخصی منتقد) و توصیفی (غالباً توصیف کننده مواد، بنا و صورت ها). همچنین به فنونی می پردازد که ناقدان در نقد به کار می برند. او الگوی نقد ادبی و نقد هنر را برای نقد معماری رد می کند و با اینکه نقد معماری را شخصیتی ادیب بشماریم مخالف است. در ادامه جریان معماری ناقدانه، مقاله ای از رابرت سومول ۱۸ و سارا وایتینگ ۱۹ با عنوان نکاتی درباره اثر داپلر و دیگر حالات مدرنیسم (۲۰۰۲)، منتشر شد که در آن، از موضوع نقد معماری پرسش می شود. نویسنده های مقاله مخالف جنبه های نظری و انتقادی معماری هستند و ایده آنان معماری عمل گراست که به جنبه های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی می پردازد و محصول آن نمایشی است شاخص و باوقار که جانشین محصول معماری ناقدانه و اعتراضی است.

### پست مدرن به مثابه نقدی بر معماری مدرن

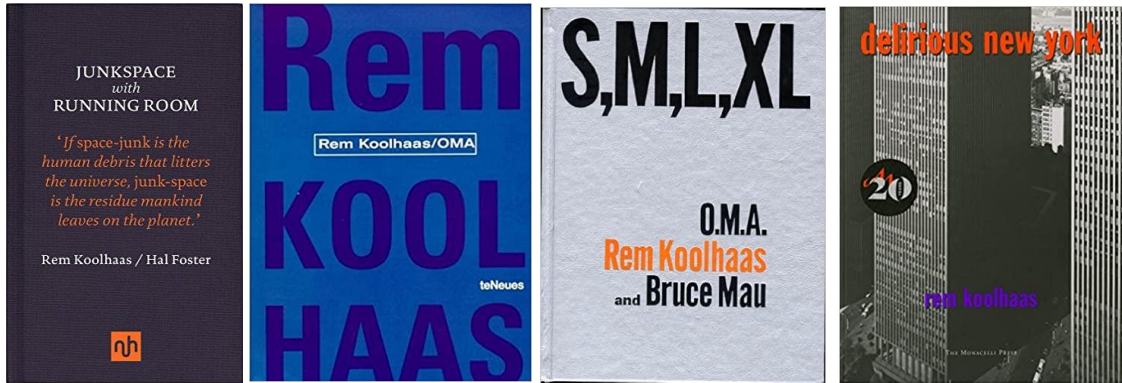
پست مدرنیسم نامی است که نخستین بار در دهه ۶۰ میلادی مورد توجه قرار گرفت و سپس به رشته های دیگر گسترش یافت. این اصطلاح عموماً بر اشکالی فرهنگی دلالت دارد. اشکالی که مشخصه بارز آنها همسویی و تلفیق هنر عامه پسند و رسمی است. پست مدرنیسم به معنای واقعی کلمه یک مکتب فکری نیست و به هیچ عنوان نباید آن را با مدرنیسم مقایسه کرد. پست مدرنیسم واکنش به برخی محدودیت های مدرنیستی می باشد.

عصر پست مدرن را عصر پیچیدگی، تنوع و تناقض می دانند و یادآور می شوند که این عصر شیوه های جدیدی از تفکر درباره خود و امکانات جدیدی برای همزیستی با دیگران را ارائه می دهد. پست مدرنیسم در معماری به یک سبک اشاره نمی کند بلکه عمدتاً به کارهای برخی معماران استناد دارد که در پی آن بودند تا از قوانین و اصول بی چون و چرای مدرنیسم سر باز زنند و به مسائلی بپردازند که مدرنیسم آنها را کنار گذاشته بود. بنابراین ساختمان های پست مدرن مجموعه ای از سبک های متفاوتی بودند که همزمان به سنت های محلی، فرهنگ عامه پسند، سبک بین المللی و تکنولوژی پیشرفته اشاره داشتند و در عین حال به هیچ یک از این مولفه ها اجازه نمی دادند تا بر مولفه های دیگر تسلط پیدا کند. به بیانی دیگر پست مدرنیسم در معماری در پی تغییر بنیاد مدرنیسم بود. چارلز جنکس یکی از مهمترین اندیشمندان پست مدرنیسم هم زمان با تخریب پروژه عظیم پروت ایگو به دلیل غیر قابل سکونت بودن پایان معماری مدرن را اعلام کرد. جنکس در حرکتی نمادین اعلام کرد که معماری مدرن در پانزدهم ژوئیه ۱۹۷۲ در ساعت ۱۵:۳۲ در گذشته است.



شکل ۳: فضای پوچ خرابی های حاصل از مدرنیزاسیون است؛ تخریب پروژه پروت ایگو (URL4)

در بین معماران نئو مدرن رم کولهااس<sup>۲۰</sup> معتبرترین و با نفوذترین آنهاست. معماری که اندیشه هایش در مورد ساخت بنا و طراحی شهری وی را به یکی از بحث برانگیزترین معماران جهان بدل کرده است. کولهااس در کتاب نیویورک هذیبانی (۱۹۷۸) به جنبه های جذاب شهر نیویورک که تقریباً فاقد طراحی شهری و معماری با کیفیت است می پردازد.



شکل ۴. آثار نقدانه رم کولهااس پیرامون نظریه شهر و معماری مدرن

## فضای پوچ

فضای پوچ برای اولین بار در مدرسه طراحی هاروارد، با عنوان راهنمایی برای خرید (۲۰۰۱)، مجموعه گسترده ای از متون، تصاویر و داده های مربوط به تغییرات مصرف گرایی شهر و حومه، از اولین فروشگاه بزرگ تا آخرین مگامال مطرح شد. کولهااس مقاله فضای پوچ را در دوره افول ایده بزرگی نوشته است و در این مقاله به آینده و فروپاشی معماری و هنر پرداخته و فضای پوچ را سقوط آزاد معماری دانست و بر این باور است که معماری در قرن بیستم ناپدید شد. فضای پوچ چیزی است که پس از مدرن سازی باقی مانده است. مدرن سازی، برنامه ای منطقی شامل اشتراک گذاری موهبت های علم به طور جهانی داشت. فضای پوچ نابسامانی حاصل از آن است. هرچند بخش هایی از آن ابداعاتی درخشان است که به وضوح توسط هوش انسانی طراحی و به وسیله محاسبات لایتناهی تقویت شده اند، اما مجموع آنها پایانی برای دوره روشنگری است. فضای پوچ مجموع کل دستاوردهای ماست. ما بیش از مجموع تمام نسل های گذشته چیزهایی ساخته ایم اما اثر ارزشمندی ثبت نکرده ایم. ما آثار ماندگاری چون اهرام به ارث نمی گذاریم. با توجه به تعریف جدید از زشتی در حال حاضر، در قرن بیست و یکم، فضاهای پوچ بیشتری نسبت به قرن بیستم در حال ساخت است. اشتباه است که ساخت ظهور معماری مدرن را برای قرن بیستم ثبت کنیم. معماری در قرن بیستم ناپدید شد. نگرانی درباره حجم بناها، دیدمان را به معماری مردمی نابینا کرده است. ساکنان زمین در حال حاضر در کودکستانی عجیب و غریب زندگی می کنند. فضای پوچ به لحاظ طراحی پر رونق است اما معماری در فضای پوچ می میرد. به جای خلق چیزی جدید، به تقلب افتخار می کنیم، آن را گرامی می داریم و از آن استقبال می کنیم.

از آنجایی که ما از سودگرایی بیم داریم، خودمان را به غرق شدنی مادام العمر در استبداد محکوم کرده ایم. اگر فضای کم ارزش، مخروبه های انسانی باشد که بستر جهان را به شکلی نابسامان پوشانیده، فضای پوچ، فضاهای باقی مانده ای خواهد بود که انسان در این سیاره رها کرده است. فرآورده های مصنوع مدرن سازی، معماری مدرن نیست بلکه فضای پوچ است. فضای پوچ چیزی است که پس از مدرن سازی باقی مانده و مسیر خود را ادامه داده است یا به طور دقیق تر، آنچه در روند پیشروی مدرن سازی ایجاد شده و به نوعی پس آیند آن است. مدرن سازی، برنامه ای منطقی شامل اشتراک گذاری موهبت های علم، به طور جهانی داشت. فضای پوچ آرمان یا نابسامانی آن است. هرچند بخش های فردی آن، نتیجه ابداعاتی درخشان است که به وضوح توسط هوش انسانی طراحی و به وسیله محاسباتی لایتناهی تقویت شده اند، مجموع آن ها پایانی برای دوره روشنگری است. ظهور آن به شکل بیهودگی، پالایشی سطح پایین است. فضای پوچ مجموع کل دستاوردهای معاصر ما است؛ ما بیش از مجموع تمامی نسل های گذشته، چیزهایی ساخته ایم، اما اثری در همان مقیاس ثبت نکرده ایم. ما اهرامی به ارث نمی گذاریم. با توجه به تعریف جدید از زشتی، در حال حاضر، در قرن بیست و یکم، فضاهای پوچ بیشتری نسبت به بقایای قرن بیستم در حال ساخت است. اشتباه است که ساخت معماری مدرن را برای قرن بیستم ثبت کنیم. معماری در قرن بیستم ناپدید شد؛ توصیفاتی را تحت امیدی میکروسکوپی می خواندیم که معماری به چیزی بدیع و نو تبدیل خواهد شد؛ نگرانی درباره حجم بناها، دیدمان را به معماری مردمی نابینا کرده است.

هال فاستر در مقاله ای با عنوان فضای گردش آزاد بر این باور است که: فضای پوچ بازخوانی از یک انکار بزرگ ارائه می دهد. در توضیح فضای پوچ کولهاس عبور توامان از هنر معماری مدرن را تحسین می کند. فضای پوچ خرابی های حاصل از مدرنیزاسیون است. امروز به نظر می رسد آخرین موج های مدرنیسم در حال سقوط کردن است و ما را با انبوه چیزهای بی ارزش رها خواهد کرد. استقلال می تواند یک خیال باشد، اما به صورت دوره ای ظهور می کند و می تواند خیال ها را برچیند. همانطور که چندین دهه پیش مدرنیسم رخ داد و پس از آن پست مدرنیسم وعده گشایش های جدید را داد.

## نتیجه گیری

با توجه پرسش اول پژوهش که معماری مدرن چه پیامدها و تاثیراتی بر هنر، جامعه و به طور کلی زندگی انسان داشته است، به کمک روش تحقیق کتابخانه ای به این نتیجه دست یافتیم که عقل مدرن بیش از آن که در خدمت انسان قرار گیرد، انسان را در بند زندگی ماشینی اسیر کرده و خصوصیات انسانی او را تحت الشعاع قرار داده است. در مقطعی از معماری مدرن به مظهر معماری توجه مفرط شد و اکتفا به بخشی از زندگی انسان، یعنی کارکرد های مادی و جسمانی، نهضت مدرن را از پدید آوردن فضاهای درخور زندگی کامل انسانی یعنی فضاهای زنده و سعادت بخش ناتوان ساخت. در پاسخ به سوال دوم، کولهاس مخروبه های حاصل از معماری مدرن را فضای پوچ می نامد و در مقاله فضای پوچ به آینده و فروپاشی معماری و هنر پرداخته و فضای پوچ را سقوط آزاد معماری دانست و بر این باور است که معماری در قرن بیستم ناپدید شد. فضای پوچ چیزی است که پس از مدرن سازی باقی مانده است. او بر این باور است که فضای پوچ مجموع کل دستاورد های ماست. ما بیش از مجموع تمام نسل های گذشته چیز هایی ساخته ایم اما اثر ارزشمندی ثبت نکرده ایم. معماری موقتی به نظر دارای تناقض است، اما اگر تنها قطعیت جهش ناگهانی باشد، تناقضی است که معماران باید با آن مواجه شوند. متروک شدن برنامه ریزی شده برای ما خیلی طبیعی است و ما دیگر نمی بینیم که یک سازه چقدر غیرمعقول است و چرخ آن فقط آشفته تر می شود. در جهانی اقتصادی مبتنی بر محاسبات، کالا دیگر شی ای نیست که به طور انبوه تولید شود، همان طور که یک فرضیه دستکاری شده، طراحی و بازطراحی، مصرف و دوباره مصرف می شود. به این ترتیب، در فضای پوچ، زمان به اندازه فضا اهمیت دارد. این امر اثری از تحول مکرر فضا با توجه به بی دوامی سریع مصرف است و نه بی دوامی مورد انتظار برحسب گمانه زنی ها. در فضای پوچ، پیشرفت ها به قدری سریع است که تمایز آن ها از آسیب ها دشوار است؛ «به جای توسعه، آنتروپی را عرضه می کند» و در حال ساخت به حالت دائمی ای از امور تبدیل می شود. این مصرف بی وقفه است که فضای پوچ را هدایت می کند و ساختارهایی را که قبلا از خرید جدا بودند، مانند فرودگاه ها و موزه ها، مطابق با آن تغییر می دهند. فضای پوچ صرفا به لحاظ فضایی فاقد ارزش نیست، بلکه به سادگی تمام ساختمان های خسته کننده را نیز شامل می شود که اکثر آن ها اصلا توسط معماران طراحی نمی شوند.

## پی نوشت

1. Jürgen Habermas
2. Saint Augustinus
3. Anthony Giddens
4. david harrison
5. Abstract art
6. Cubisme
7. Pablo Picasso
8. Georges Braque
9. Futurism
10. Constructivism
11. Vladimir Yevgraphovich Tatlin
12. Monument to the Third International
13. De Stijl
14. Neoplasticism
15. Rietveld Schröder House
16. wayne atto
17. Charles Willard Moore
18. Robert Somol
20. Sarah Whiting

## منابع

۱. احمدی، بابک، (۱۳۷۲)، نگرش فلسفی به پست مدرن، نشریه آبادی، شماره ۱۰
۲. احمدی، بابک، (۱۳۷۷)، معماری مدرنیته، نشر مرکزی، تهران
۳. انصاری، احمد، (۱۳۸۹)، درآمدی بر جامعه شناسی پسامدرن، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۱۱
۴. جمالی، فیروز، حیدری چپانه، رحیم، (۱۳۸۸)، بحثی درباره شهرسازی پست مدرن، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۴۳
۵. دانایی فر، مطهره، تفضلی، زهره، (۱۳۹۹)، نظریه های اصلی نقد معماری در مغرب زمین: سیر تاریخی از سده نوزدهم تا امروز، صغه، شماره ۹۲
۶. رحیم زاده، محمدرضا، (۱۳۸۷)، پرسش از فناوری و جایگاه آن در پیدایی معماری مدرن، صغه، شماره ۴۷
۷. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۱)، معماری و راز جاودانگی، نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۸. کولهاس، رم، (۱۳۹۹)، فضای پوچ، نشر فکر نو، تهران
۹. مهدوی نژاد، محمدرضا، (۱۳۸۳)، معماری پیشرو و پیوند با گذشته: جستاری از منظر هویت بر آینده معماری کشور اسلامی، نشریه آبادی، شماره ۴۶
۱۰. مهدوی نژاد، محمدرضا، بمانیان، محمدرضا، خاکسار ندا، (۱۳۸۹)، هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره های پیشا مدرن، مدرن و فرامدرن، هویت شهر، شماره ۷
۱۱. نسبیت، کیت، (۱۳۸۶)، نظریه های پسامدرن در معماری، نشر نی، تهران
۱۲. نقی زاده محمد، (۱۳۷۹)، رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی، هنرهای زیبا، شماره ۷

URL1: <https://fekrebozorg.ir>

URL2: <https://archline.ir>

URL3: <https://www.archome.ir/>

URL4: <http://asresakhteman.com/>